

در جامعه ای که بر محور آموزش می
چرخد، معلم مرکز آن دایره و محور آن
حرکت است.

مقام معظم رهبری



نشریه اجتماعی سیاسی فرهنگی مدار

شماره چهارم_شهریور ماه ۹۹



در این شماره می خوانید:

- ایستاده در غبار
- دولت اسلامی گامی به سوی مقصد
- آموزش کیلویی چند؟!
- حدیث سرخ عاشورا
- فلسفه عاشورا
- ناجیان سفید پوش
- نوشته ای از جنس خون
- تا مبارزه هست ما هستیم!
- قاب موثر
- آیا می دانید؟
- سرقت خاموش
- معرفی کتاب



عبدالرشید آموزشی؟!





صاحب امتیاز:

بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان پردیس رسالت زاهدان

مدیر مسئول:

فاطمه ظهیری

سر دبیر:

الهام اسدی

طراح و صفحه آرا:

مهدیه درویش زاده

هیئت تحریریه:

زهره مرادی شهرستانک

محدثه سعیدی

الهه خلیلی

فاطمه میری

مژگان عرب مقدم

سعیده بامری

محدثه مودی

طیبه جمشیدزهی

سحر پورمردان

فاطمه ابراهیمی

ریحانه محزون

آلا طاهری

وحیده قاسمی

فهرست:

- | | |
|---|------------------------------|
| ۱ | سخن سردبیر |
| ۲ | ایستاده در غبار |
| ۲ | دولت اسلامی گامی به سوی مقصد |
| ۳ | آموزش کیلویی چند؟! |
| ۳ | حدیث سرخ عاشورا |
| ۴ | فلسفه عاشورا |
| ۴ | ناجیان سفید پوش |
| ۴ | خاطره دانشجویی |
| ۵ | نوشته ای از جنس خون |
| ۵ | تا مبارزه هست، ما هستیم! |
| ۶ | قاب موثر |
| ۶ | آیا می دانید؟ |
| ۷ | سرقه خاموش |
| ۷ | شیدا |
| ۷ | معرفی کتاب |

سخن سردبیر:

به نام خالق هستی

با سلام و احترام خدمت خوانندگان ارجمند و تسلیت ایام عزاداری سرور شهیدان امام حسین علیه السلام

فرصتی دوباره را به دست آوردیم تا به بهانه انتشار مجدد نشریه با خوانندگان ارجمندش به گفت و گو بپردازیم

چهارمین شماره نشریه فرهنگی سیاسی اجتماعی مدار را تقدیم نگاهتان میکنیم

استقبال شما با ارسال انتقادات و پیشنهادات، باعث بهتر شدن هر چه بیشتر این نشریه خواهد شد

شما بزرگواران میتوانید، نظرات و پیشنهادات خود را به نشانی نشریه به آدرس nashrie_madar@ در پیام رسان های تلگرام و بله ارسال فرمائید

«الهام اسدی»

این غیور مردان برای پایین آوردن جنازه ی یک دختر ایرانی از روی دار سه شهید میدهند اما حتی جنازه ناموس خود را در چنگال دشمن باقی نمی گذارند. اما در پشت پرده، چه خبر بود که ارتش بعثی این گونه با گستاخی به مرز های ایرانمان حمله میکند و وعده تسخیر پایتخت را میدهد؟! شاید بتوان معما را با بررسی رده پایه آمریکایی ها حل کرد. از یک طرف ایران کشوری سرشار از منابع است؛ چه نفتی، چه معدنی و چه از نظر بازار مصرف. ...ایران میتواند بازار مصرف خوبی برای کالاهای آمریکایی باشد. همان گونه که در دوران پهلوی، طیف گسترده ی تسلیحات نظامی ما را سلاح های آمریکایی تشکیل میداد. از طرفی موقعیت جغرافیایی فوق العاده ایران، آن را به بهترین محل برای تبدیل شدن با پایگاه نظامی آمریکا در منطقه خاور میانه میکرد؛ که با انقلاب اسلامی ایران جلوی همه ی منافع آمریکا گرفته شد. آمریکا اینبار به شیوه ای دیگر از آغاز جنگ سود برد؛ از یک سو تسلیحات خود را به صورت عمده میفروخت، از سویی جنگ بین حکومت نوپای جمهوری اسلامی و رژیم بعث موجب ضعف دستگاه حکومتی ایران و تشدید بحران ها در کشور میشد. از آنجا که هر دو کشور طرف جنگ، سرشار از منابع نفتی هستند، شکست هر کدام باعث میشود آن کشور طعمه ای بی دردسر برای استعمار گری غربی ها باشد که همین گونه شد و مدتی پس از پایان جنگ، آمریکا با بهانه مقابله با تروریسم به عراق حمله کرد و مدت ها منابع آن کشور را در اختیار داشت. اما ایران اسلامی گر چه تنگناهای بی شماری را به خود دید، اما به لطف همت و خون جوانا مخلص اش هیچ گاه مقابل زورگو و متجاوز سر خم نکرد.

زهر مرادی شهرستانک

دولت اسلامی، گامی به سوی مقصد



تلاش و اقدام برای تشکیل دولت اسلامی از روز های اول شروع شد؛ منتها افت و خیز، پیشرفت و عقب گرد داشته است؛ در جاهایی موفق بوده و در جاهایی ناموفق.

بعضی وقت ها دلبستگی به رفتار طاغوت در دولتمردان به وجود آمد.

هیچ کس نمی تواند ادعا کند که کشور ما کاملاً اسلامی است.

نمیتوانیم ادعا کنیم به معنای واقعی ما یک دولت اسلامی هستیم. چرا که اگر دولت، اسلامی شود، کشور هم اسلامی میشود.

دولت اسلامی به چه معنا است؟!

اسم ما دولت اسلامی باشد، کافی نیست؛ باید عمل و جهت گیری ما اسلامی باشد.

که این مسائل نیاز به حرکت مستمر و مداوم دارد.



ولی میخوام دو تا نکته بگم؛ یک اینکه ما چه مسیری رو طی کردیم که وضع آموزشمون توی بحث عدالت اینه و سوال قبل از آن این است که ما طی کردیم حالا با صحبت هایی که یکم تو جلسه شد خلاصش اینه ما تو اداره اجتماعی از یک دهه بعد از انقلاب از ایده جمهور رفتیم به ایده بخشی از جمهور، یعنی ما اولش گفتیم که حقوقی که تعریف میکنیم و اهداف و آرمان هارو که تعریف می کنیم، میخوایم به همه ملت ارائه بدیم از یه جایی به بعد این اسرارمون به ارائه این حقوق برای همه ملت رو کنار گذاشتیم یا آگاهانه یا نا آگاهانه ، یا عامدانه یا غیر عامدانه. این بحث دیگه ای است ولی ما رفتیم به سمت اینکه بهره مندی از مواهب که مواهب هم حقوق حقیقی اتد که در سوال یکم عرض کردم و هم کالا اند؛ سبب زمینی و گوجه و ماشین و چی و چی و...این رو برای طبقه ای از جامعه اگه فراهم بشه این حله؛ شاید اگه بخوام بیان دیگه از این داشته باشم، ما سرجمع کل ایران از نحوه توزیع مسائل در ایران برامون مهمتر شده یعنی: اینو گفتیم؛ که ایران چقدر خونه داره؟ خب ایران ممکنه کلی خونه ساخته باشه ایران چقدر جاده داره ایران ممکنه کلی جاده داشته باشه و ما گفتیم پیشرفت کردیم و این اسمش پیشرفته؛ نپرسیدیم حالا اینقدر خونه ای که تولید کردیم چجوری بین مردم توزیع شده؟ کیا دارن؟ کیا ندارند؟ اینهمه جاده ای که کشیدیم کیا میتونند ازش استفاده بکنند؟ بله ما خیلی مدرسه ساختیم اما خوب هاش و بدهاش چهطور بین مردم توزیع شده؟ به نظرم با جایگزینی دو مفهوم آزادی و عدالت با مفهوم پیشرفت، یعنی مفهوم پیشرفت اومد جای دو مفهوم آزاد و عدالت را گرفت، حتی یه درجه بالاترش رو بگم مفهوم پیشرفت و استقلال دوتاشون آمدند؛ دوتا مفهوم آزادی و عدالت رو زدند کنار؛ اون لحظه این اتفاق افتاد که مافقط نگاه کردیم تو سرجمع ایران چقدر انباشتیم، چقدر خونه انباشتیم،چقدر ثروت انباشتیم، چقدرمقاله انباشتیم،نکردیم ببینیم این مقالات به درد کیا خورده وبه درد کیا نخورده؛ این خونه هارو کیا دارند؟کیا ندارند؟ درصورتی که مسیر درستی که باید میرفتیم این بود که کل آرمان های انقلاب رو ما متوازن و یک دست پیگیری کنیم ،به میزانی که میگی کشور این قدر رشداقتصادی داشته؟ از این هم پرسش کنیم که این رشداقتصادی چهطور توزیع شده؟به میزانی که میگی ما جلوی امریکا ایستادیم و استقلال داریم؛از اینم پرسش کنیم که آیا ساختار هایی که داریم پیاده میکنیم ساختار امریکایی نیست؟مردم آمریکا وضع مسکنشون چجوریه اگه ما وضع مسکنمون شبیه آمریکا باشه آیا ما آمریکا نیستیم؟اینکه یه عده از مردم شعار میدهند دشمن ما همین جاست دروغ میگن آمریکاست. من با نصف اولش موافقم گرچه با نصف دومش مخالفم. نه، اینکه ما میگی دشمن ما آمریکاست دروغ نیست راسته ، اما اینکه دشمن ما همین جا هم هست درسته، هر آنکس که اینجا رفتاری مثلاسرمایه دارانه، مثلا غیر عادلانه، مثلا غیر آزادی خواهانه، انجام بده خب این داره همون کاری رو میکنه که داره توی آمریکا اتفاق میافته؛ یه بخشی از آمریکا اینجا پیاده میشه. به نظر من، ما به شعار های انقلاب متوازن نپرداختیم ؛ به طور مشخص، پیشرفت و استقلال و امنیت، این سه تا، اومدند جای آزادی و عدالت و معنویت نشستند و خودشون شدند فقط. نه اینکه هر شش تاش رو با هم میخواستیم این باعث شد که قصه عدالت فروگذار بشه اونوقت عدالت تو کل اجتماع فروگذار شد. خب توی اجتماع فروگذار شد،توی تعلیم و تربیت هم فروگذار میشه.کما اینکه تو مسکن هم فروگذار میشه جاهای دیگه هم فرو گذار میشه، این روند کلی رو باید بفهمیم ؛ نقطه عطف این روند کلی پایان دهه شصته؛ به نظرم نقطه عطف این روند رفتن امام(ره) و بروز و ظهورش رو سال ۶۸ میدونم.!!.. ادامه دارد.

حدیث سرخ عاشورا

به یاد پیکر صدپاره ی او ***کماکان کربلا غوغاست هرشب

صدای العطش های رقیه***دلیل خجلت دریاست هرشب

چو دختر باشی و بابا نباشد***برایت چون شب یلداست هرشب

ز خشکی لب شش ماهه ی شاه***یزید و اهل او،رسواست هرشب

ندای شکوه ی وای ای برادر***نوای زینب کبری(س)ست هر شب

وفاداری عباس بن حیدر***زبانزد در همه دنیااست هر شب

در این شام مقدس ذکرم این است***حدیث سرخ عاشورااست هر شب

الهه خلیلی



معنای شعار دولت اسلامی این است که ما می‌خواهیم اعمال فردی، رفتار با مردم، رفتار بین دولت مردان ، رفتار با نهاد های بین المللی و نظام سلطه ی جهانی امروز را به معیار ها و ضوابط اسلامی نزدیک تر کنیم. اما چطور به دولت اسلامی دست یابیم ؟!چون این در وهله اول فراهم نیست ؛ به تدریج و با تلاش به وجود میاید ،برای اینکه کشور اسلامی به طور کامل محقق شود لازم است که دستگاه حاکم در همه ابعاد ، اسلامی شود. بعد هم باید آن جهت گیری ها را مد خودشان قرار دهند و به سرعت به سمت آن جهت گیری ها حرکت کنند؛ این میشود دولت اسلامی !!!به نظرتان دولت اسلامی باید چه ویژگی هایی داشته باشد؟!دولت اسلامی ای که بتواند مقاصد ی را که ملت ایران و انقلاب عظیم آن داشته تامین کند ، دولتی است که در آن رشوه نباشد، فساد اداری نباشد، بی اعتنایی به مردم در آن نباشد و دیگر چیز هایی که در دولت اسلامی لازم است . این اصالت ها و ضوابط حیات بشری در طول تاریخ را امیر المومنین علی علیه السلام بیان میکنند؛ ما آنها را می‌خواهیم؛ عدالت و صلاح مسولان همیشه لازم است؛ حیف و میل نکردن اموال مردم که در دست مسولین است، لازم است ؛ اینکه تغییر پذیر نیست .این نظام اسلامی فقط یک شکل نیست، محتوایی دارد؛ یعنی باید کارهایی در واقعیت زندگی مردم انجام بگیرد .مسولین کشور باید به سمت زندگی علوی بروند؛ باید روح زندگی علوی یعنی عدالت ، تقوا ، پارسایی ، پاکدامنی ، بی پروایی در راه خدا و مجاهدت در راه خدا را در خودشان زنده کنند. این اساس کار است!!!.

محدثه سعیدی

آموزش کیلویی چند؟!

بخشی از مصاحبه اختصاصی دانشگاه فرهنگیان شهید آیت اصفهان پیرامون

موانع عدالت آموزشی با دکتر محسن خاکی



مسعود عبادتی: عدالت آموزشی را در یه کلام ساده برای ما تعریف کنید؟دکتر خاکی:فکر کنم تعریفش خیلی چیز پیچیده ای نباشه؛ اگر آموزش رو ما یک حق تصویر کنیم نه یک کالا ، اون وقت عدالت آموزشی میشه دادن این حق به همه، به نحوی که مثل هر حق دیگری، دسترسی بهش برابر باشه، خب ؟ اگر آموزش رو مثل سیب زمینی ببینیم که میشه خریدش و فروختش ، بلکه ما آموزش رو خیلی ساده مثل حق رای ببینیم ؛همه اون انتظاراتی رو که ما درمورد حق رای داریم، می گوییم عدالت در حق رای چیست؟ همه به یک اندازه امکان مشاکت در سر نوشت سیاسی را داشته باشند صرفه از جایگاه ، پایگاه ، خانواده ، درآمد و ... به نظر من بهتر اینه که عدالت آموزشی را نفی ای تعریف کنیم نه اثباتی یعنی چه؟ نیستش رو بگیم ؛ عدالت آموزشی این نیست که هر عامل دیگری به جز همین انسان بودن بتونه روی دسترسی شما به آموزش اثر بگذارد.هر نقطه ای که عامل دیگری به جز انسانیت تونست روی دسترسی شما به آموزش اثر بگذارد و شما رو از حق آموزش کاملا برابر با دیگران، برابر به معنی مشابه نیست ، یه نفر که استعداد ورزشی داره رو باید ورزشی تمرین داد... یه نفر که استعداد ریاضی داره رو باید ریاضی تمرین داد اما هر دوتاشون را به یک اندازه ، مثل حقوق زن و مرد که متفاوت اند اما یکسان اند ؛ اگر یکسانی اتفاق بیافته به نظرم عدالت آموزشی شده ، تصور سادش هم اگر همه انتظاراتی که ما از حق رای داریم یا از هر حق دیگری مثل حق سلامت ، حق امنیت ، اگر بفهمیم که آموزش حقه، حق مفهوم عدالت آموزشی ساده میشه و کاملا یک فهم فطری که با اکثر آدم ها صحبت کنید به سادگی درکش می کنند خیلی پیچیدگی نظری نداره ؛ یعنی (۱) حق بفهمیمش، (۲) به اینکه چی نیست درکش کنیم نه اینکه چی هست اون وقت بیانش سادستمسعود عبادتی:به نظرتون حرکت و سیر آموزش و پرورش ما توی ایران چطور بوده ؟ چه کار کرده ؟ چطور پیش رفته که الان باید بحث عدالت آموزشی مطرح بشه اصلا؟دکتر خاکی:والا خلاصه بگم مجبورم جواب کلی بگم؛ چون اگه بخوام جواب درست بدم که مجبورم توضیحات جزئی بدم که از حوصله این حرفا خارج میشه

فلسفه عاشورا



کیست در این انجمن محرم عشق غیور

ما همه بی غیر تیم آینه در کربلا ست

برای شناسایی عاشورا باید انسان را بشناسیم؛ امام راحل(ره) می فرمایند: بیچارگی غرب در آن است که انسان را نشناخته است. اولین گام در انسان شناسی، شناخت عقل انسان است، فریاد حسینی نشانی دین را در اختیار مردم قرار داد. تمام مشکلات عالم اسلام این است که کفر به طاغوت را جدی نگرفتند و مهمترین بیماری بشر که *اطاعت از عصیان است* رخ داد، در هر کجا که این درس به خوبی فرا گرفته شده، درد برطرف شده است. ای انسان اگر در عاشورا حق و باطل را شناختی به خودت رجوع کن و حق و باطل درونت را بشناس، شهدا آن هایی بودند که وقتی لعن میکردند نفس اماره خودشان را از قلم نمی انداختند، تقدم لعن بر سلام تقدم اتفاقی نیست بلکه یک تقدم استراتژیک، اساسی و رکنی است. شهدا و اشقیا هر دو نماز می خوانند اما نماز شهدا مثل عبادت ملائکه مثبت و اشقیا مثل عبادت ابلیس منفی ست. این ها اطاعت را با اطاعت از حسین بن علی علیه السلام گرفتند، امام مجرای ولایت الله است چرا که او واسطه در ولایت است ، اگر این نباشد ظلال است. طاغوت هم ولایتش جاری است، وقتی انسان از نفس اماره اطاعت میکند ، داخل ولایت طاغوت میشود. عاشورا ابا عبدالله و اهل بیت علیهم السلام آن حضرت «آینه تمام نمای» دو نوع اسلام است، و اسلام نام محمدی *بصیرتی* را در شناخت نماز حسینی از نماز یزیدی میخواهد. برای دور کردن مردم از فرهنگ غرب باید شرک را به مردم شناساند، عاشورای حسین بن علی علیه السلام بزرگ ترین تبیین شرک است، اطاعت از کسی که مطیع خدا نیست ، شرک است. در حقیقت در دوره پیش از عاشورا نظریه اسلام عرضه شد اما عاشورا اسلام ، مجسم و اسلام عملیاتی است ، امری که در ماجرای ذبح اسماعیل پیش نیامد نباید اشکال شود که ذبح اسماعیل انجام نشد، ذبح حقیقی همین است که در دلت ذبح کنی، وقتی انسان در دل به امری راضی میشود در واقع به آن عمل کرده ، کلام در عمل نیست بلکه در رضا است . عاشورا قصه همیشه انسان در سراسر تاریخ است هر انسان حاصل یک کربلا ست وقتی در جبهه گذشت از تعلقات قرار میگیرد پس باید تکلیف محور باشد، حیات دنیا یک پدیده بیش تر نیست اما برای یکی نردبان ترقی و برای دیگری پرتگاه. سنگ زیر بنا باید دل باشد، تبلیغات برای راه افتادن دل است و روضه ی امام حسین علیه السلام، علاوه بر اینکه قدرت لکه گیری اش بسیار بالاست ، تعهد و دیانت میاورد. امام حسین علیه السلام الگویی است که نشان می دهد برای رفتن از دنیا چگونه باید آماده بود. گریه ، صحبت کردن قلب با عمیق ترین ارتباط خود است ، اشک با قلب انسان رابطه ای دارد که زبان همیشه آن رابطه را ندارند، انسان به اختیار خود نمی تواند اشک بریزد اما میتواند دروغ بگوید، این نشانه حرمت اشک است، شرکت قلبی، انسانی ترین شرکت است . معنای اشک این است که نیزه ای که به گلو علی اصغر علیه السلام خورده به من خورده است ، این حالت است که اشک جاری میشود . امام حسین علیه السلام به دنبال برقراری حاکمیت خلیفه خداوند بر روی زمین بود تا جهان اسلام سامان یابد، تنها راهکار معقول برای تحقق عدالت و سعادت در جامعه اسلامی برقراری حاکمیت خلیفه خداوند، حضرت مهدی (عج) بر روی زمین است.

فاطمه میری

ناجیان سفید پوش

بلبل طبعم امروز قصد کرده قطعه ای در ثنای کسانی بنویسد که خستگی را خسته کرده اند .

کسانی که گویی فرشتگان خدا بر روی زمین اند. سفید پوشانی که امروز وجدان کاری شان کمتر از اخلاص رزمندگان هشت سال دفاع مقدس نیست .

در حیرتم که سینه شما از کدام دریای عشق به خدا پر شده که چنین در رضایت او موج میزند و آسوده نمی نشینید. قلمم در توصیف مشقت کارتان عاجز مانده، چگونه شرح دهم ساعت ها بیداری و بیخوابی با لباس هایی که حتی یک رویه از آن هم در این گرمای تابستان زیاد است، پارچه ای که شبانه روز با تنفست خو گرفته و دستانی که بر اثر استفاده مکرر مواد ضد عفونی کننده در زیر دستکش های یک بار مصرف دیگر جلای روزهای اول خود را ندارد. حتی قلمم در نوشتن اسمت هم می لرزد چه برسد که از استرس و نگرانی کودک چند ماهه ات که معلوم نیست حال چه میکند ، از خانه و کاشانه ای که شاید ماه قبل دیده باشی و از غمی که در دل داری سخن بگوید، با این حال مجبوری بخندی .

تبسم لب هایت را دیگر هیچ چشمی نمی ببند پس بایستی به گونه ای بخندی که برق نگاهت نمایانگر لبخندت باشد و صدای گرم و مهربانت بیانگر عاطفه ات.

آری دیگر نمایان شدن لبخند کفایت نمیکند بلکه باید با تمام وجودت ، در این جبهه در مقابل سنگر ویروسی که ماه هاست بر جهانیان سایه گسترده، عرض اندام نمایی و نشان دهی که هیچ دغدغه ای نداری جز سلامتی چشمان ملتهب بیمارانی که تمام امیدشان به توست.

واژه ها برای قدر دانی از زحماتتان ناتوان است؛ فقط میگویم: پروردگاران همیشه پشت و پناهتان باشد ای باغبان گل های پژمرده و بیمار این روزهای کرونایی

مزگان عرب مقدم



خاطره دانشجویی

خاطره منتخب در فراخوان ارسال خاطرات دانشجویی

اربعین عشق

راهی دیار عشاق می شویم؛ هر منظره ای جلوه گاه تمدنیست که، آقا امام زمان(عج) قرار است بیاید و آن را به نهایت تکامل برساند، در راه نجف تا کربلا؛ شاهد صحنه هایی بودیم، که به ندرت در شهر خودمان یافت می شود و نیاز به ذره بین دارد که در دست معدود افرادیست! در این مسیر ،عشق حکم فرماست و وحدت موج میزند. آنجا با روحیه ی میزبانمان آقا امام حسین علیه السلام ، سخت عجین شده بودیم و به علوی بودن خویش مفتخر! زمانی که عشق به امام حسین علیه السلام را در چشم های کودکان جثه کوچک و نحیفی می دیدم که عشق به امام حسین علیه السلام انگیزه شان بود ، سرمست میشدم از ذوق های کودکانه شان... زمانی که یک نذری از دست های کوچک و بخشنده شان بر میداشتم ...چه دنیای زیبایی...واین در ذهنم تداعی می شد؛ حب الحسین یجمعناولی حیف که امسال این تجمع بزرگ که نمونه ی اجتماع اسلامیت متوقف می شود ! و من به امید بازگشایی هر چه سریعتر این مسیر، همچنان منتظرم!... سعیده بامری

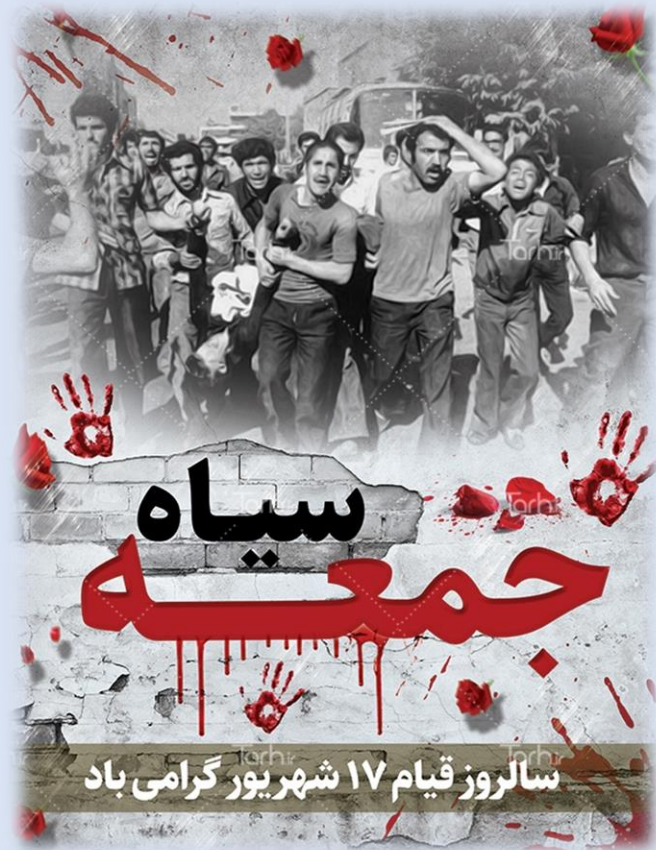
تا مبارزه هست، ما هستیم!

ابتدا سوالی که ذهن را درگیر می کند؛ این است که موجودیت اسرائیل ریشه در کدام عناصر هویتی دارد و آیا امکان تحول در نگرش و رفتار اسرائیل محتمل است؟! اسرائیل همان نام بی هیچ و پوچ ولی هولناک که تمام جهان را به لرزه درآورده است. همان که مفهوم انسانیت را هنوز درک نکرده است و نمی داند چیست و چگونه است؟! همان که به مرد ویلچرنشین که هر دو پایش را از دست داده رحم نکرد، همان که آه و اشک یک زن بی سر پناه و و بی خانمانی هزاران نفر را به نظاره گرفت و هیچ نگفت!!!. کودک را چه بی رحمانه بی پناه میکنند و این کارشان را یک شوخی جلوه می دادند. همه اسرائیلی ها در مواجه با این اتفاق با یکدیگر شوخی می کردند و هیچ یک از آنها تحت تاثیر قرار نمی گرفت. به راستی چه کسی پاسخگوی قلب شکسته یک مادر است که کودک اش جلوی دو چشمانش زنده زنده ، در آتش می سوزد؟! اسرائیل را باید اینگونه نوشت "دولتی که انسانیت درونش مرده!. تا کی باید بر جهالت چندین سال غرق شد؟! جهان که این گونه نبود؟؟ چه کسی فریاد بی عدالتی را سر داد؟! یکی باید سد سکوت احمقانه ی دنیا را بشکند!!.. نتانیاهو؛ در رابطه با چهره ی واقعی اسرائیل می گوید: نخست وزیر رژیم صهیونیستی، تجلی گر ماهیت اصلی این رژیم است. روابط نتانیاهو و پدرش بنیامین نتانیاهو به روابط جرد کوشنر و دونالد ترامپ شباهت دارد، آنها انسان هایی سرشناس و فاقد هستند!!.. روزی که رژیم اسرائیل چهره واقعی خودش را نشان داد: ۲۶ شهریور یادآور یکی از دردناکترین فجایع صورت گرفته علیه ملت فلسطین است که نام صبر اُوشتیلا را برای همیشه در تاریخ ماندگار است سی و شش سال پیش در چنین ایامی در فاصله روزهای ۱۶ تا ۱۸ سپتامبر ۱۹۸۲ مصادف با ۲۶ شهریور ۱۳۶۱ به بیش از سه هزار فلسطینی که بیش تر آنان را زنان و کودکان تشکیل می دادند؛ در اردوگاه صبر اوشتیلا در مناطق فقیر نشین جنوب بیروت به دست شبه نظامیان فالانژ لبنان و حمایت مستقیم نظامیان رژیم صهیونیستی به فرماندهی آریل شارون ، وزیر جنگ این رژیم ، قتل و عام شدند. شیون زنان و کودکان بی پناه به گوش می رسید، از آسمان بیروت ماتم می بارید. انگار هیچ کس نبود دست یاری به طرفشان دراز کند، کسی صدای ناله آنها را نمی شنید ، اصلا برایشان مهم نبود!. زمین و آسمان را غبار وحشتناکی به خود گرفته بود به راستی چه کسی جواب گوی این بی عدالتی ها خواهد شد!!.. این انفجار مهیب در مجموع ۷۵ زخمی در میان کارمندان سازمان ملل بر جای گذاشت و بسیاری از خانواده ها را بی خانمان کرد!!.. صحنه های فجیع و غیر قابل توصیفی که از این جنایت به یادگار مانده ، خاکی از شکنجه های مرگبار ، مثله کردن و در نهایت قتل هزاران فلسطینی است . نظامیان رژیم صهیونیستی از عصر روز پنجشنبه با محاصره آن به آنها حمله کرده و تا صبح روز شنبه به فجیع ترین شکل ممکن به کشتار افراد ساکن این اردوگاه پرداختند . در پی انفجار بند بیروت بسیاری از مردم جهان با مردم این کشور همدردی کردند سعد حریری همه را به نجات و همبستگی با بیروت فراخواند،، ترکیه آماده کمک به لبنان شد ،، شیخ الازهر انفجار بیروت را تسلیت گفت ،، روسای جمهور الجزایر و تونس حادثه انفجار بیروت را به مردم و دولت لبنان تسلیت گفتند. کشور عراق یک هواپیمای حامل کمک های پزشکی به لبنان فرستاد ،، ابراز همدردی مکل نخست وزیر استرالیا با مردم لبنان ،، و تسلیت مجلس ایران به انفجار بیروت . گروه های فلسطینی در سی و ششمین سالگرد این فاجعه ، بار دیگر خواستار محاکمه سران رژیم صهیونیستی در دادگاه های بین المللی شدن ،، در زمانی که کشتار صبر اُوشتیلا اتفاق افتاد، کنترل این دو اردوگاه در دست ارتش رژیم صهیونیستی بود، اما این رژیم در هیچ محکمه ای در برابر جنایات تاریخی اش پاسخگو نبوده است.....

طیبه جمشید زهی



خون دادن برای امام خمینی(ره) زیباست اما خون دل خوردن برای امام خامنه‌ای(مدظله العالی) از آن هم زیباتر است...حماسه خونین هفده شهریور حادثه‌ای است بس عظیم که اگر سالیان متمادی در وصف آن و یاد هزاران شهید آن روز سخن گفته شود، باز قلم از ادای حق آن واقعه خونین عاجز خواهد بود...شهریور ماه سال ۱۳۵۷ که مصادف با ماه رمضان بود. در شبهای این ماه مبارک، در اکثر مجالس مذهبی ومساجد از اسارت و خفقان و نبودن آزادی و توهین رژیم به مقدسات ملت ایران صحبت می شد و مردم اعتراض خود را در قالب راه پیمایی نشان می دادند. افزایش نارضایتی های مردمی، گسترش بحران و تنش داخلی که بی وقفه از آغاز ماه رمضان در سراسر کشور خود را نمایانده و سپس از آتش سوزی سینما آبادان شدت یافته بود، بار دیگر شاه و نخبگان رژیم را هراسان ساخت و به بازنگری در سیاستهای موجود وادار کرد، تا با ساز و کاری جدید آرامش را به کشور بازگردانند؛ زیرا مخالفتها با رژیم، اکنون از حد اعتراضات موردی فراتر رفته و خواستار سرنگونی نظام شاهنشاهی شده بودند.



حرکتی که روز هفده شهریور ۵۷ بدست جلادان شاه و کماندوهای اسرائیل به خون نشست، دارای هدفی مقدس بود که مردم قهرمان ما با نثار خون هزاران جوان خود در صدد تثبیت آن بودند. یک سری جریانات سیاسی در مسیر انقلاب در حال انجام بود که در کنار این هدف ،در حرکت مردم انقلابی ایران تاثیر گذار بود.

به دنبال کشتار ۱۷ شهریور، رژیم در رویارویی با ملت سخت به تردید و تزلزل افتاد؛ چرا که شیوه‌های مرسوم اعم از سرکوب و سازش در عمل شکست خورده بود. اجرای حکومت نظامی که بر اساس نظریه مشاوران امنیتی و ساواک، بهترین سیاست ممکن جهت برقراری امنیت و آرامش تلقی می‌شد، نتیجه عکس بخشید.

آن هایی که از شاه و رژیم منحوس پهلوی طرفداری میکنند برای این کشتار مردم چه جوابی دارند؟مردمی که آزادی از ظلم و ستم را میخواستند، و میخواستند برای سرنوشت خودشان تصمیم بگیرند ولی با گلوله جواب داده شدند!

اگر امام خمینی(ره)آن مردم فداکار را داشت که حاضر بودند برای امام جان دهند حالا هم، امام خامنه ای(مدظله العالی)مردمان فداکاری را میخواهد که تا آخر پای انقلاب بمانند!

بارش شهابی برساوشی:

بارش شهابی چیست؟ زمین طی گردش خود به دور خورشید، گاهی از میان توده های ذرات میگذرد. این ذرات که به نام شهاب واره شناخته شده اند، گاهی بقایای مرگ یک ستاره دنباله دار و گاهی بقایای سیارک ها هستند. شهاب واره ها در برخورد به جو زمین می سوزند و ما در واقع اثر سوختن آن ها را می بینیم.

و اما.... بارش شهابی برساوشی :

بارش شهابی برساوشی در واقع حاصل سوختن ذرات باقی مانده ی ستاره دنباله داری به نام "سویفت-تاتل" در برخورد با جو زمین است. وقتی به مسیر این شهاب ها نگاه کنید متوجه خواهید شد که همه آنها به نقطه ی مشترکی در آسمان می رسند که اصطلاحا به آن "کانون بارش" میگویند. به دلیل اینکه کانون این بارش، صورت فلکی "برساوش" است، نام آن نیز به بارش شهابی برساوشی شهرت یافته است .

این پدیده که هر ساله از ۲۷ تیر تا ۳ شهریور ادامه دارد و در نیمه شب های ۲۱ و ۲۲ مرداد ماه به اوج خود می رسد. را میتوانید در آسمان های صاف و بدون آلودگی و روشنایی مشاهده کنید.

فاطمه ابراهیمی



سرقت خاموش

ایرانیان دیر زمانیست که در زمینه های مختلف از جمله زمینه ی علمی پیشرو بوده و هستند، شاهد این مدعا چهار دانشمند نامی و مسلمان ما هستند که اگر چند خطی در وصف ایشان بنویسیم خالی از لطف نیست؛ اولین دانشمند ما "ابوعلی سینا" فیلسوف و دانشمند ایرانی، نویسنده کتاب شفا که یک دانشنامه علمی و فلسفی.جامع است و کتاب قانون در طب که یکی از معروفترین آثار تاریخ پزشکی جهان به شمار می رود دوم "ابوریحان بیرونی" دانشمند بزرگ و ریاضیدان، ستاره شناس، تقویم شناس، انسان شناس، هندشناس و تاریخ نگار بزرگ ایرانی در سده چهارم و پنجم هجری است.سوم "حکیم عمر خیام نیشابوری" فیلسوف، ریاضیدان، ستاره شناس و رباعی سرای ایرانی دوره سلجوقی.است و چهارم "زکریای رازی" پزشک، فیلسوف و شیمی دان ایرانی است که آثار ماندگاری در زمینه پزشکی.و شیمی و فلسفه نوشته است و به عنوان کاشف الکل و جوهر گوگرد (اسید سولفوریک) مشهور استابن سینا مشهورترین فیلسوف ایرانی در جهان است که آثار و اندیشه هایش دهه ها بلکه سده های متمادی بر جهان حکمفرما بوده است.او از معدود فیلسوفانی است



سینما و تلویزیون از دیرباز همیشه تاثیر ویژه و پرنرنگی بر فرهنگ و زندگی روزمره ی انسان ها و جوامع داشته است ؛ بطوریکه خانواده ها گاها نام فرزند های خود را همنام با شخصیت موثر فیلم و سریال انتخاب کرده و حتی پوشش و تکیه کلام ها و نوع آداب و رسوم خود را ،از همین فیلم ها و سریال ها وام گرفته اند و البته حس برتری و رضایت از شرایط به وجود آمده میکنند .۲۱شهریورماه مصادف است با روز سینما و این روز بهانه ای شد تا ما تمرکز بیشتری را بر فیلم های این روزهای سینما و تلویزیون که در خانه ها در حال پخش است قراردهیم. این روزها با توجه به شرایط حساس ایجاد شده در دنیا (به سبب انتشار ویروسی ناشناخته!) و همچنین قرنطینه بودن و گذراندن وقت زیادی در خانه ، درصد زیادی از خانواده ها به فیلم ها و سریال ها (علی الخصوص سریال های نمایش خانگی) روی آورده اند که آن هم به دلیل نزدیک بودن به فرهنگ خانواده ها و حس همزاد پنداری با شخصیت های داستان و ریتم نزدیک فیلم به زندگی روزمره خودشان است . با تمام این تفاسیر، ما باید شاهد نمایش یک فرهنگ ایرانی اسلامی با ظاهری قابل پخش در بین تمامی اعضای خانواده و با در نظر گرفتن محدوده سنی گسترده ای از انسان ها و تمامی اقشار جامعه باشیم که متاسفانه در سریال های تازه ی نمایش خانگی که با جلب مخاطب زیادی هم رو به رو است، چیزی مغایر با نکاتی که اشاره شد دیده میشود و به طبع شاهد آثار مخرب آن در بین خانواده ها و جامعه و علی الخصوص جوانان هستیم و این خبر خوبی نمی باشد!اگرچه که از پیام های مثبتی که بعضی از دیالوگ های فیلم و نقش های مثبت و ماندگار فیلم در ذهن مخاطب به جا میگذارد و همینطور حال خوبی که بعد از دیدن یک سری از سکانس ها به قلب مخاطب تزریق میشود ، نباید غافل شد ولی برای ساختن فیلم ها با مخاطب بالای ۵۰ درصد نباید هیچ رقمه کوتاهی کرد و تمام جنبه های موجود را با احتیاط در نظر گرفت.هدف ما از ایجاد بخش سینما در "نشریه مدار" ،نقد و بررسی ی ابعاد نادیدنی فیلم ها و سریال های تازه اکران شده ی سینما و تلویزیون ایران و جهان است تا هم به خوب دیدن هم کمک کرده و هم فیلم های تازه و نام آشنا را با ذره بین بشناسیم و یه لحاظ سواد سینمایی کمی غنی تر شویم. ما اینجا هستیم تا از سطحی و سخیف دیدن دوری کنیم و خوب فیلم دیدن و احترام به وقت و چشم های خود را یاد بگیریم تا به تبع آن دنیا را جای بهتری برای زندگی کردن کرده و انسان های دلخواه تری باشیم. مراقب خودتان و خوبی هایتان باشید

زهرای کل هفته رو کلافه و همش تو فکر بودوقتی استاد وارد کلاس شد بعد از سلام، مستقیم رفت سراغ کتابش و میخواست شروع کنه به جزوه گفتن و باز باید می‌شدیم ملا بنویس ، بدون اینکه ذره ای مطلب رو درک کنیم! نگاهی به زهرای انداختم که داشت چپ چپ به استاد نگاه میکرد ، مشخص بود که خیلی عصبانی شده بود میخواست حرفی بزنه که من اجازه ندادم! دستش رو گرفتم و بهش گفتم؛ آروم باش و خودم با کسب اجازه از استاد شروع به حرف زدن کردم و خیلی محترمانه از این شیوه تدریس انتقاد کردم! ولی جواب درستی نشنیدم. استاد رو به من کرد و گفت؛ شما هنوز ترم اول هستین و خیلی از مسائل رو درک نمیکنین!! من چندین ساله که دارم با همین شیوه تدریس میکنم! و دیگه حرفی نزد ، دوباره رفت سراغ کتابی که تو دستش بود و شروع کرد به جزوه گفتن! شنیدن کلمه ترم اولی برام خیلی دردناک بود ، چیزی نگفتم ! جو سنگینی تو کلاس حاکم شد و دوباره مشغول نوشتن شدیم. بعد از اتمام کلاس به همراه زهرای به سمت خوابگاه رفتیم، هیچ حرفی بینمون رد و بدل نشد. وسیله ها رو گذاشتیم اتاق و به همراه باقی بچه ها آماده رفتن به سلف شدیم... صف طولانی سلف ، باعث میشد بیشتر کلافه بشم صفی شلوغ متشکل از بچه های خوابگاه و دانشجویهای روزانه! بالاخره بعد کلی انتظار تو صف، غذا گرفتیم و رفتیم به سمت یکی از میزها! جو سنگینی بود زهرای هیچ حرفی نمیزد خودمو جمع و جور کردم و تصمیم گرفتم حال و هوای همه رو عوض کنم گفتم نظرتون چیه بعد از ظهر با هم بریم بیرون بستنی بخوریم دخترا از نظرم استقبال کردن ، ولی زهرای هیچی نمیگفت! دستمو آروم حلقه کردم دور گردنش و گفتم نظرت چیه خانوم خانوما؟! لبخندی زد و گفت؛ مگه میشه به تو، نه گفت! دیدن لبخندش خیلی بهم آرامش میداد ،توی دلم خداروشکر کردم بابت داشتن زهرای! شده بود مثل خواهر نداشتم...

وحیده قاسمی

معرفی کتاب

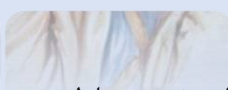
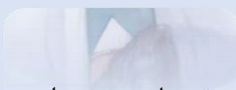
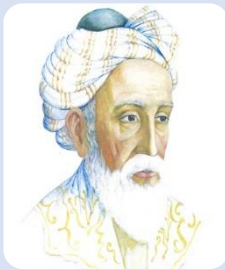


یک روز تا چذابه

این کتاب خاطرات ده ساعت حضور در دامنه ی تپه های رملی در اولین روز عملیات طریق القدس است . یک روز تا چذابه روایتی است از ارتباط خالصانه و عاشقانه ی رزمندگان این نبرد با خدا و حضرت صاحب الزمان دارد(عج) باعث می شد با وجود تعداد معدود و کمبود مهمات در آن شرایط سخت و حساس تا آغاز مرحله اصلی عملیات دلاورانه مقاومت کنند.

بخشی از کتاب: صدای زمزمه ی بچه ها توی رمل ها پیچید.در آن زمان باور نمیکردیم ،بزودی گام در کربلای ایران بگذاریم .سرزمینی مقدس که تقدیر الهی بر آن قرار گرفته بود تا شهادت مردان بزرگ عشق و ایثار را نظاره گر باشد .مردانی که شعارشان این بود: می رویم تا خط امام بماند

عملیاتی که برای آزاد سازی دوشهر چذابه وبستان که در اولین روز جنگ به اشغال نیرو های عراقی درآمد اما پس از ۴۳۴ روزه آغوش میهن باز گشت!



که به تمام علوم زمانه خود مسلط بوده و تقریباً در همه این رشته قلم فرسایی کرده است. یکی از متخصصین اظهار دارد که "بدون ابن سینا علم به موفقیت فعلی خود نمیرسید." محمد بن زکریای رازی طبیب، فیلسوف و عالم در علوم دانش های باستانی که مترجمان کتاب هایش به او ریزز گفته اند و در شهر ری چشم به جهان گشود زندگی زکریای رازی در چند مرحله سپری شد. وی در آغاز به تحصیل ریاضیات، نجوم، فلسفه و کیمیا پرداخت و از میانسالی به دانش پزشکی علاقه مند و پس از کسب شهرت عازم بغداد شد و در بغداد به حاذقترین پزشک آوازه یافت و در واقع ماندگاری نام وی در تاریخ بیشتر به واسطه دانش او در پزشکی و داروسازی بوده است. بی گمان می توان از محمد بن زکریای رازی به عنوان مهمترین داروشناس دوره اسلامی نام برد. رازی که توجه زیادی به داروسازی داشت، کتاب های بسیاری در این زمینه تألیف کرد. این آثار یا تک نگاشته اند یا کتاب هایی اند که در بخش هایی از آنها به شرح خواص دارویی گیاهان، مواد معدنی و دارویی پرداخته شده است. در حقیقت، رازی پایه های داروشناسی و داروسازی امروزی را بنیان نهاده است و به سبب فعالیت های دارویی و ابداعات وی از او با عنوان پزشک داروساز یاد می کنند. رازی در دنیای غرب پدر طب کودکان لقب گرفت و در این زمینه کتابی با نام تدبیر الصبیان یا پزشکی کودکان تألیف کرد که تا آن زمان سابقه نداشت. ابوریحان بیرونی، بزرگترین نابغه تاریخ ابوریحان دورانهای مختلفی را پشت سر گذاشته و در دربار خوارزمشاهیان و سه پادشاه غزنوی روزگار گذرانده و خدمات علمی فراوان انجام داده است. طبق بررسی به عمل آمده، کل آثار ابوریحان بیرونی، از تألیفات پر دامنه گرفته تا رساله هایی کوتاه درباره موضوع های خاص، بالغ بر ۱۸۰ اثر است. از این آثار حدود ۱۰۰ عنوان به ریاضیات، نجوم و مطالب وابسته به آنها اختصاص دارد که فقط ۸۸ عنوان از آنها به دست ما رسیده است. به باور "ادوارد زاخو" بیرونی بزرگترین نابغه ایست که تاریخ نشان داده است. یگرید هونکه مینویسد: "تمدن اسلامی که بوسیله مسلمانان آغاز شد نه تنها میراث یونان را از انهدام و فراموشی نجات داد و آن را اسلوب و نظام بخشید و به اروپا داد، بلکه آنان پایه گذار شیمی آزمایشی، فیزیک، جبر، علم حساب به مفهوم امروزی و مثلثات فضایی، زمین شناسی و جامعه شناسی هستند. تمدن اسلامی تعداد زیادی کشفیات گرانبها و اختراعاتی در همه خش های علوم تجربی که اکثر آنها را بعدها نویسندگان اروپایی دزدانه به حساب خودشان گذاشتند، به مغرب زمین هدیه کرده است، ولی شاید گرانبها ترین آنها را اسلوب تحقیقات علم طبیعی باشد که این پیش قدیمی مسلمانان بود که جای پا را برای اروپا باز کرد. منجر به شناخت قوانین طبیعت و تفوق و کنترل آن گردید